



مرکز مطالعات پارلمان

نقشه راه انتخابات سناری و تناسبی

ماهنامه تخصصی مطالعات پارلمان

کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی
سال اول | شماره هشتم | خرداد ۱۴۰۲

✓ پرونده ویژه تناسبی سازی انتخابات

گزارت مآختر انتخابات مجلس را تغییر تراساسنیز بر مجلس، نظر مشورتی و مثبت به آ د؛ حداد عادل، مرتضی آقانهرونی، احمد زایی نیز به مجلس راه می یافتند طرح استانی و تناسبی در «ایران»

نظام انتخابات تناسبی چیست؟



✓ آخرین خان گره نظام انتخابات و پاسخ به چند شبهه سیاسی

✓ کژکارکردهای حزبی و برنامه های توسعه در ایران

✓ زنان و انتخابات تناسبی



درگاه ارتباطی ما با مخاطبان ارجمند
t.me/parliamentary_studies

فهرست

- | | | |
|---|---|----|
| ✓ | سخن سردبیر | ۳ |
| ✓ | آخرین خان‌گه نظام انتخابات و پاسخ به چند شبهه سیاسی | ۵ |
| ✓ | کژکارکدهای حزبی و برنامه‌های توسعه در ایران | ۷ |
| ✓ | زنان و انتخابات تناسبی
دروازه‌ای برای ورود زنان به مجلس شورای اسلامی | ۱۱ |
| ✓ | فراز و فرود پیشبرد طرح تناسبی در مجلس
در گفتگو با دکتر جعفر قادری، نماینده مردم شیراز و پیش‌برنده طرح تناسبی انتخابات در مجلس یازدهم | ۱۴ |
| ✓ | انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه و بازگشت ملی‌گرایان
در مصاحبه با دکتر ولی‌گلمحمدی (استاد مهمان دانشگاه بیلکنت آنکارا) | ۱۷ |



انديشكده حكمراني شريف



شناسه اثر:

عنوان	ماهنامه مطالعات پارلمان
شماره شاپا	ISSN2980-8588
صاحب امتياز	انديشكده حكمراني شريف
مدیرمسئول	دکتر مهدی زینالو
سرديبر	عاطفه مرادی اسلامی
نویسندگان	مهدی زینالو، علی صالحیان، حدیثه ربیعی، مریم سیدکریمی، عاطفه مرادی اسلامی
نوبت و سال چاپ	اول، ۱۴۰۲

یالطیف

حال بعد از تمامی جرح و تعدیل‌های این طرح و بیان ایراداتی توسط هیات عالی نظارت، طرح تناسبی شدن انتخابات تهران به شکل آزمایشی مورد تصویب دوباره مجلس قرار گرفت و باید دید در نهایت این طرح در شورای نگهبان تایید می‌شود یا خیر.

در این شماره به بررسی ابعاد مختلف تناسبی سازی نظام انتخاباتی پرداخته شده است. به امید توفیق روز افزون جریان اندیشه ورز کشور.

در ماهی که گذشت، رفت و برگشت‌های چالشی زیادی بین کمیسیون شوراها، صحن و هیات رئیسه مجلس با مجمع تشخیص و شورای نگهبان بر سر یک ماده اصلاحی پیرامون نظام انتخاباتی رخ داد.

در این میان، مرکز مطالعات پارلمان اندیشکده حکمرانی شریف به عنوان یک نهاد غیررسمی تخصصی و مبتکر پیشنهاد تناسبی شدن انتخابات در حوزه‌های انتخابیه بزرگ، طی پیگیری‌های مستمر با نهادهای مرتبط، سعی کرد در اقدامی نادر، اثربخشی سیاستی مجموعه‌های اندیشه ورز بیرون از ساختارهای رسمی را عینیت ببخشد.

فارغ از مزایای این طرح و هزینه-فایده‌ای که بعد از پنج سال بررسی و ارزیابی برای رسیدن به این مدل انجام شد؛ دانش ضمنی ارزشمند حاصل از تجربه کارآفرینی‌های سیاستی در مجلس، می‌تواند نقش مهمی در پویایی جریان‌های نخبگانی مساله محور داشته و برای جوانان اندیشه ورز دغدغه مند امید آفرینی نماید. در یک بیان اجمالی، باید گفت تغییر در فرایندهای مجلس بالحاظ تعارض منافع بالقوه زیادی که برای بازیگران این تغییر یعنی نمایندگان مجلس، فراهم می‌کند؛ نیازمند رایزنی‌های چند جانبه مستمر در کنار قوت مطالعات کارشناسی است.

از سوی دیگر وابستگی کارکرد تقنینی نهاد مجلس با شورای نگهبان و هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، پیچیدگی پیشبرد هر طرح سیاستی را دوچندان می‌کند.

بنابراین وقتی یک ابتکار سیاستی با این ملاحظات وارد مجلس می‌شود، این پیشفرض را حفظ می‌کند که ایده‌های سیاستی لزوماً ایده آل نیستند و قرار هست به شکل حداقلی تغییراتی را در یک سیستم رقم بزنند؛ که این مساله مورد اصلاح نظام انتخاباتی که موضوعی چند وجهی است و ابعاد مختلفی از نظام رای دهی تا ساختار احزاب، از تامین مالی عمومی نامزدها تا فرهنگ سیاسی و ... را شامل می‌شود، به تبع پررنگ تر هم هست. از این رو در مواجهه با هر طرح سیاستی اصلاحی بایستی دآوری عمومی مبتنی بر واقعیت‌های صحنه سیاست رقم بخورد.

«ابتکار» طرح مجلس برای افزایش تعداد نمایندگان را بررسی کرد

انتخابات حزبی، استانی یا تناسبی؟

گروه سیاسی - سخنگوی کمیسیون شوراها و مجلس آخرین وضعیت بررسی طرح افزایش تعداد نمایندگان در مجلس را تشریح کرد. علی حدادی سخنگوی دربارہ آخرین وضعیت بررسی طرح افزایش تعداد نمایندگان در این کمیسیون، اظهار کرد: این طرح به کمیسیون شوراها ارجاع شده و پس از بررسی در صحن کمیسیون طرح برای بررسی کارشناسی به کارگروه تخصصی کمیسیون ارجاع شده است. وی افزود: در این کارگروه با حضور مسئولانی از وزارت کشور و کارشناسان کارشناسی مجلس و کارشناسان مربوطه، طرح افزایش تعداد نمایندگان بررسی شده و کارشناسان تقریباً به اتمام رسیده و به زودی برای بررسی در صحن کمیسیون در دستور کار قرار خواهد گرفت.

آخرین خان‌گرنظام انتخابات و پاسخ به چند شبهه سیاسی

دکتر مهدی زینالو
مشاور ارشد مرکز مطالعات پارلمان

۲ دقیقه

طبعاً وضعیت فعلی خلاف عدالت انتخاباتی است. باید توجه کرد که فرهنگ انتخابات در تهران فوق العاده سیاسی است، یعنی مردم بیش از آنکه به افراد رای دهند به لیست‌ها و جریان‌ها رای می‌دهند. در چنین شرایطی شمارش اکثریتی منجر به بی‌عدالتی می‌شود که این ایراد در مدل جدید اصلاح شده است. شورای شورای نگهبان در سال ۹۸ در بیانیه‌ای اعلام کرد که با تناسبی شدن انتخابات مخالف نیست. در مورد دو مرحله‌ای شدن نیز نظر مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان در سال ۹۸ قابل تامل است «سیاست‌های کلی با توجه به قانون انتخابات سابق بوده است؛ مضافاً در حوزه‌های فرعی انتخابات دو مرحله‌ای برگزار می‌شود و حد نصاب وجود دارد.»

با ترسیم شرایط فوق به نظر می‌رسد شورا و مجمع می‌توانند این طرح را تایید کنند در این صورت می‌توانیم شاهد تحول بسیار مهمی در انتخابات مجلس باشیم.

در هفته‌های گذشته تناسبی شدن انتخابات مجلس تهران پس از کش و قوس‌های فراوان در صحن مجلس تصویب شد. در این مدل هیچ تغییری در شیوه رای‌دهی مردم ایجاد نمی‌شود، یعنی هر شهروندی می‌تواند سی نفر از یک لیست یا تفیقی از چند لیست را در برگه رای خود بنویسد. شمارش آراء نیز تغییری نخواهد کرد و هر نامزد آراء مخصوص خود را دارد. تنها تفاوت در نحوه تعیین برنده است.

هر لیست متناسب با درصد آراء کسب شده (نسبت جمع رای نامزدهای آن لیست به کل رای نامزدهای تهران) می‌تواند از کرسی‌های انتخابات سهم کسب کند. برای مثال جمع رای لیست اعتدال در سال ۱۳۹۴ با فرض تناسبی بودن، حدود ۳۶ میلیون و سهم آنها حدود ۱۷ کرسی و جمع رای لیست اصولگرایان حدود ۲۲ میلیون و سهم آنها ۱۱ کرسی و ۲ کرسی سهم مستقلین می‌شد. از هر لیست نامزدهایی که بیشترین رای را کسب کرده باشند تا سقف سهم آن لیست به مجلس وارد می‌شوند.

این تغییر در صورت تایید در شورای نگهبان و هیات عالی نظارت مجمع برای اولین بار بعد از انقلاب می‌تواند نظام انتخابات را دستخوش تغییر کند. سوال اینجاست که آیا شورای نگهبان و هیات عالی نظارت آن را تایید می‌کنند؟ برخی از مهم‌ترین موارد مدنظر این دو نهاد عبارتند از مشارکت، مشکلات امنیتی و قومیتی، هزینه‌های اجرا، عدالت انتخاباتی و دو مرحله‌ای بودن.

طرح حاضر به وضوح منجر به افزایش مشارکت می‌شود. چون از یک سو جریانات مختلف تلاش می‌کنند برای یک کرسی بیشتر هم که شده طرفداران خود را به پای صندوق‌های رای بیاورند از سوی دیگر شهروندان احساس می‌کنند رای آنان حتی در مقیاس کم می‌تواند منجر به تغییر در نتیجه شود. مدل جدید به واسطه مشارکت و حضور جریانات مختلف سیاسی در تهران قدرت، امنیت و اتحاد مردم در انتخابات را بیشتر می‌کند. با این مدل تقریباً هرگز شاهد قهر یک بخشی از مردم یا صندوق رای نخواهیم بود از این رو این مدل بر ثبات امنیتی می‌افزاید. همانگونه که مطرح شد از آنجاکه نه در ثبت نام و نه در تایید صلاحیت و نه در شمارش تغییری حاصل نمی‌شود این مدل افزایش هزینه‌های اجرای انتخابات را در پی ندارد.

مسئله مهم قابل بحثی که وجود دارد عدالت انتخاباتی است. در وضعیت فعلی با تعداد بسیاری رای روبرو هستیم که هیچ نماینده‌ای در مجلس ندارد. در یک مثال فرضی ممکن است ۴۹٪ مردم تهران به یک جریان رای دهند اما این جریان نفر نماینده هم نداشته باشد.



کژکارکردهای حزبی و برنامه‌های توسعه در ایران

شماره هشتم | خرداد ۱۴۰۲

مریم سادات سیدکریمی
دکتری جامعه‌شناسی و کارشناس مرکز مطالعات پارلمان



۸ دقیقه



سوم گروه طرفداران تعدیل اقتصادی (که دکتر نیلی نیز در زمره ایشان بود).

در پایان این جلسات، آقای خاتمی از همه اعضا خواست که جمع بندی خود را به صورت مکتوب ارائه کند و کار جمع بندی نظرات نیز به عهده دکتر مظاهری گذاشته شد. این مطالب توسط ایشان در سه سطح متفاوت نگارش شد. سطوحی که به طرح کلیات می پرداخت، احتمالاً کم و بیش خلاصه ای از جلسات بود اما سطحی که وارد مسائل ریز اجرایی مانند گمرکات، مقررات صادرات و مقررات بانکی و ارزی می شد، در واقع صرفاً مطالبی بود که - به بیان آقای دکتر نیلی - هیچ یک اصلا در جلسات مطرح نشده بودند، بلکه صرفاً کپی نسخه ای بود که خود ایشان (دکتر نیلی) به دکتر مظاهری داده بود تا به عنوان جمع بندی طرح کند.

نتیجه این شیوه جمع بندی، این شد که در طرح کلیات، «این طور مطرح شده بود که نگاه ما به اقتصاد، نگاه اقتصادی-اجتماعی است و نه یک نگاه صرفاً اقتصادی. هر جاسیاست های اقتصادی یار شد اقتصادی با عدالت اجتماعی در تعارض قرار گیرد، عدالت اجتماعی را مملاک قرار می دهیم» اما راهکار عملیاتی شدن چنین ایده ای، برگرفته از نقطه نظرات آقای دکتر نیلی بود که مشخصاً معتقد به سیاست تعدیل اقتصادی است، و چنانچه در نتایج برنامه اول توسعه روشن بود، هیچ قرابتی با ایده اولویت عدالت اجتماعی بر رشد اقتصادی ندارد!

چنین اتفاقی در بالاترین سطح مدیریتی کشور چگونه رخ داد؟ دکتر نیلی خود توضیح می دهد: مباحث ذکر شده در آن جلسات «در واقع بیشتر به بیانیه یک حزب در بدو تأسیس شبیه بود. البته که حزب هم نباید این طور مواضع کلی اتخاذ کند. بلکه باید برای مسائل، راه حل های مشخص ارائه کند. قاعدتاً یک سند سیاستگذاری باید چگونگی تحقق این مطالب را بگوید، نه اینکه تنها مواضع را بیان کند. در اینجا فرض بر این است که سیاستگذار متوجه شده عدالت اجتماعی با رشد اقتصادی در کجا با هم تعارض پیدامی کنند و آن را باید همان جا برطرف کند و دیگر نیازی نیست این را به صورت اعلام مواضع بیان کند».

شاید کمی دیر، اما به هر حال آقای خاتمی متوجه کلاهی شد که بر سر مجموعه مشاورین اقتصادی دولت رفته بود. در حالی که برنامه برای چاپ در چاپخانه بود و قرار بود که هفته آینده به مجلس تقدیم شود، یکی از مشاورین رئیس جمهور طی نامه ای برای ایشان تشریح کرد که در خصوص مسائل اقتصادی دودیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست اینکه ممکن است لازم باشد

گزارشی که دکتر مسعود نیلی - تهیه کننده برنامه اول و سوم توسعه - از چگونگی تهیه و اجرای برنامه سوم ارائه کرده اند (اموی، ۱۴۰۰: ۳۴۱-۳۶۹) از منظر اقتصاد سیاسی خواندنی است.

ایشان - از تهیه کنندگان برنامه اول توسعه - که پس از آشکار شدن نتایج برنامه اول - تورم زیاد و بدهی خارجی سنگین - از سازمان برنامه فاصله گرفته و به پیگیری درس و دانشگاه روی آورده بود، در میانه دهه ۷۰ و در پی انتخاب دکتر سید محمد خاتمی، تصمیم می گیرد به سازمان برنامه بازگشته و در مدیریت اقتصادی کشور ایفای نقش کند: «من هم آقای خاتمی را خوب می شناختم و هم هم اطرافیان ایشان را و می دانستم که آنها دارای خط مشی روشن و مشخص اقتصادی نیستند و عمدتاً رویکردی سیاسی و فرهنگی به مسایل دارند. خود من هم که به مولفه های اقتصاد مدرن اعتقاد داشتم و راه پیش رو را برای مشخص بود».

وی در آن گزارش اینگونه نقل می کند که آقای خاتمی هم از رویکرد کاملاً دولتی دهه ۶۰ فاصله گرفته بود و هم نسبت به رویکرد تعدیل اقتصادی که طی برنامه اول توسعه - دوره اول ریاست جمهوری آقای هاشمی - دنبال شد، بدبین بود؛ در نتیجه به دنبال راهکاری می گشت که میانه این دو طرح محسوب شود. با این همه، نه خود ایشان و نه اطرافیان نشان، راهبرد روشن اقتصادی نداشتند: «چالش بزرگ تر با آقای خاتمی و دولت شان بود».

آقای خاتمی مرتباً ابراز می کردند که باید به یک خط مشی اقتصادی برسیم؛ ولی مباحث تصمیم گیری در جلساتی مطرح می شد که در این جلسات، افراد مختلف با ذهنیت های متفاوت در آنجا حضور می یافتند و اظهار نظر می کردند.

واقعیت این است که چند صدایی و بیان نقطه نظرات مختلف در سطح جامعه لازم است و نشانه پویایی است. اما چند صدایی در ستاد دولت مضر است و هیچ قایده ای ندارد. هیچ دولتی در دنیا وجود ندارد که نداند در مورد ارز، سود بانکی و سرمایه گذاری خارجی چه باید بکند و انتظار داشته باشد که کارش هم پیش برود».

به منظور رسیدن به یک خط مشی اقتصادی مشخص، آقای خاتمی از صاحب نظران و مشاوران متعدد و متفاوتی دعوت کرد تا با تشکیل جلسات و جمع بندی نهایی، ایشان رایاری کنند. در این جلسات، سه طیف مختلف حضور داشتند:

کسانی که معتقد به تفکر اقتصادی دوره مهندس موسوی بودند، کسانی که تفکری فرم یافته تر داشتند اما در مبانی به قیومیت دولت کاملاً معتقد بودند، و

-در حالت ایده آل- آن است که با تجمیع متخصصان و سیاستمداران طرفدار یک شعار و خطمشی خاص، ضمن انسجام بخشی به سیاست‌های پیشنهادی (اقتصادی، اجتماعی، سیاست داخلی و خارجی، و فرهنگی) بسته‌های سیاستی پیشنهادی خود را به دولت‌تی که همسوبا شعار پیشنهادی آنهاست، ارائه می‌کنند. آنچه گفته شد، به کارکرد سیاست‌گذاری احزاب (Policy-making) اشاره دارد؛ کارکردی که وقتی امکان بیشترین تحقق را دارد که یک دولت حزبی (party government) بر سر کار آمده باشد (Giovanni, ۲۰۰۵).

به عنوان یک بحث کلی‌تر، در واقع در جوامعی که براساس صندوق رأی اداره می‌شوند، تمایزی کلی بین کسانی که «هدف» را تعیین می‌کنند و کسانی که «وسیله» رسیدن به هدف تعیین شده را مشخص می‌کنند، وجود دارد. سیاستمداران، اهداف کلی را پیشنهاد می‌دهند و آن‌گاه رأی مردم نشان خواهد داد که کدام هدف کلی برای مردم اولویت بیشتری دارد؛ آیا توسعه اقتصادی مهمتر است یا توسعه سیاسی؟ آیا اولویت با رشد اقتصادی است یا عدالت اقتصادی؟ و... در واقع انتظار آن است که پس از تعیین اولویت‌ها و اهداف، کارشناسان مشخص کنند که «در راستای تحقق هدف مذکور»، از کدام برنامه و راهبرد اجرایی مشخص باید استفاده کرد.

در برخی شرایط، چنین فرایندی دچار اختلال شده و کارشناسان براساس تعلق خاطری که به یک برنامه خاص دارند، در واقع هدف را نیز تعیین می‌کنند. یک نمونه از چنین شرایطی، زمانی است که سیاست‌یون یک کشور به خاطر نگرانی از بروز تشتت و اختلاف، نپذیرند که اختلاف نظر بر سر اولویت‌ها بروز یابد، در قالب احزاب مختلف نهادینه شود و سپس براساس رأی مردم، مورد انتخاب قرار گیرد. در نتیجه، مجموعه‌ای از اهداف متضاد (مانند رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، رفاه و تأمین اجتماعی، کاهش نقش دولت در اقتصاد و... که پیگیری هر یک با تحقق دیگری در تضاد است) به کارشناسان ارائه می‌شود. از آنجا که هیچ برنامه‌ای تاکنون وجود نداشته که به تمامی اهداف مذکور اولویت دهد، کارشناسان -شاید به ناگزیر- برنامه مورد توجه و تبحر خود را انتخاب کرده و در مورد اینکه این برنامه سایر اهداف را هم برآورده می‌کند، ناگزیر به سخن‌پردازی روی می‌آورند. چنین فرایندی زمانی که نهادینه شود، وضعیت جدایی شعار از عمل پیش خواهد آمد. نامزد ریاست جمهوری شعاری می‌دهد که ارتباطی با نتایج عملکردش پس از کسب قدرت ندارد.

سیاست‌های اقتصادی خیلی خشن به اجرا درآید و یک نسل فدا شوند؛ این دیدگاه برای کسانی است که سیاست‌های تعدیل را دنبال می‌کنند. دیدگاه دوم هم دیدگاهی است که ابعاد اجتماعی را در نظر می‌گیرد و هرچاکه قیمتی می‌خواهد اصلاح شود، آن را بررسی می‌کند که چگونه لطمه وارده را جبران کنند. مشاور منکور سپس با ذکر مثالهایی در مورد قیمت‌های بیش‌بینی شده در برنامه سوم برای نرخ ارز و قیمت انرژی و... استدلال کرده بود که در برنامه سوم، دیدگاه نخست حاکم شده و فشارهایی که بر مردم وارد می‌شود، نادیده گرفته شده است.

آقای خاتمی مسئله را با قید فوریت به آقای دکتر حبیبی ارجاع می‌دهند تا در جلسه‌ای با حضور اعضای ستاد اقتصادی دولت و سازمان برنامه، بررسی شود. به هر حال آن برنامه برای مجلس ارسال می‌شود، اما دولت تصمیم می‌گیرد که در اجرا، سفت و سخت عمل نکرده و در واقع آن را دقیق و کامل اجرا نکنند (اموی، ۱۴۰۰: ۳۴۱-۳۶۹).

غرض از یادآوری این گزارش تاریخی، البته ایراد به آقای خاتمی نیست؛ نخست آنکه کمتر رئیس جمهوری رامی توان پس از انقلاب معرفی کرد که شعار و برنامه اقتصادی‌اش بایکدیگر همسوبوده باشد و دوم -که دلیل مسئله نخست هم هست- آنکه در واقع در دنیا، کمتر رئیس جمهوری رامی توان سراغ گرفت که اقتصاددان باشد، و بلکه هیچ رئیس جمهوری رامی توان سراغ داشت که همزمان در تمامی رشته‌های مورد نیاز برای کشور متخصص باشد.

در واقع حزب یا احزاب سابقه دار -چنانچه واجد کارکردهای یک حزب دموکراتیک در جهان مدرن باشند- به عنوان مراکز تجمیع تجربه و تخصص در راستای سیاست‌های مشخص، بازوی کمکی رئیس دولت محسوب می‌شوند. در نتیجه نامزدی که در انتخابات ریاست جمهوری در عرصه اقتصادی شعار عدالت می‌دهد، از پیش می‌داند که باید سراغ کدام حزب برود که در طول سالیان متمادی، اقتصاددانان و کارشناسان همسوبا این سیاست را گردآورده و در نتیجه راهبردهای اجرایی مشخص را آماده کرده باشد.

در واقع نامزدی که وارد چرخه انتخابات می‌شود، براساس گرایش‌های اصلی و کلان خود، نامزد یکی از احزاب موجود به حساب آمده و دست کم می‌تواند از مشاوره‌های سیاستی حزب منکور در زمینه‌های مختلف استفاده کند. کمترین فایده چنین نهادهایی آن است که مثلاً کارشناسان اقتصادی این امکان را نخواهند داشت که برنامه طراحی شده برای رشد اقتصادی را -که هیچ اولویتی برای عدالت اجتماعی در آن لحاظ نشده- به عنوان بهترین گزینه برای پیشبرد عدالت اجتماعی به رئیس جمهور معرفی کنند. و احتمالاً بیشترین فایده چنین نهادهایی

در سطح ملی با ارتقای یکپارچگی میان اقوام و گروه‌ها، در سطح سیاسی با افزایش تعامل و توافق میان نیروهای سیاسی، و در سطح اجتماعی با مدیریت شکاف‌های اجتماعی. همچنین از احزاب انتظار می‌رود که بهترین مذاکره‌کنندگانی باشند که با میانجیگری میان منافع و سلايق مختلف در جامعه، میان آنها مصالحه ایجاد کرده و در نتیجه دوکارکرد ذکر شده، نقش مدیریت تعارض (conflict resolution) را ایفا نمایند (Giovanni, ۲۰۰۵).

در نتیجه بازی احزاب، محل مناسبی برای افرادی نیست که بنا به هر دلیلی - درست یا غلط - با نظم سیاسی مستقر مسئله‌دار هستند. در واقع حضور چنین افرادی و چنین احزابی در جامعه، امکان جدی شدن نقش حزب رادر نظام سیاسی غیرممکن خواهد ساخت. چنین اصلی نه صرفاً به تجربه ایران بازمی‌گردد و نه لزوماً نشانه اقتدارگرایی حکومت موجود است.

برای نمونه در ابتدای تأسیس ایالات متحده آمریکا - که امروزه به‌عنوان یک نظام دوحزبی با احزاب دیرپا شناخته می‌شود - احزاب در معرض سوءظن شدیدی بوده و در وهله نخست صرفاً به منظور مصالح موقتی مورد دفاع قرار می‌گرفتند (Wilson, ۲۰۱۸: ۱۱۸). در واقع پیش از آنکه احزاب سیاسی بتوانند مشروعیت پیدا کنند، لازم بود مردم متوجه شوند که بحث بر سر سیاست‌ها و انتخابات، با عدم توافق در مورد مشروعیت حکومت جدید متفاوت است و حصول فهم چنین تمایزی، تدریجی بود (همان).

هرچند در بحث از لزوم فعالیت احزاب ضروری است که به نقش حاکمیت - تحمل و رواداری آن و نیز قوانین تسهیل‌کننده - پرداخته شود، اما در واقع روی دیگر بحث، بررسی انتقادی عملکرد احزاب پس از انقلاب اسلامی است. بررسی عملکرد حزب جمهوری اسلامی در دهه شصت و نیز برخی احزاب دهه هفتاد و هشتاد در ترسیم کارکردها و احیاناً کارکردهایی که احزاب سیاسی پس از انقلاب ایفا کرده‌اند، کمک خواهند کرد. چنین بحثی در کنار بررسی عملکرد حاکمیت، می‌تواند مارا در ترسیم دلایل افول جایگاه احزاب در ایران امروز، یاری کند.

تهی شدن سخنان سیاستمداران و بی‌اعتباری آنها نزد افکار عمومی، از نتایج دیگر چنین روندی است. مشکل دیگری که از فقدان احزاب ریشه‌دار ناشی می‌شود، کوتاه‌مدت بودن بسیاری از جریان‌های سیاسی است که به دلیل فردمحوری، به سادگی با تغییر گرایش‌ها افراد، چهره عوض می‌کنند.

شعارها، از این جناح به آن جناح دست به دست شده و جریان‌ها به راحتی و در زمانی نه چندان دراز، به کلی دچار دگرگونی می‌شوند. در حالی که در دهه شصت، «اصول‌گرایی» ملاک تعیین نخست‌وزیر از دیدگاه آقای خاتمی بود، در دهه هفتاد به شعار مخالفان او تبدیل شد (ملکی، ۱۳۹۹: ۱۲۲) و در حالی که اساساً شکل‌گیری جناح چپ و راست پس از انقلاب اسلامی مبتنی بر مواضع اقتصادی بود که طی آن جناح چپ از اختیارات و دخالت بیشتر دولت در عرصه اقتصادی دفاع می‌کرد (آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات دهه شصت از افراد جناح چپ مکرراً با عنوان گروه «تندروها» نام می‌برد) در کمتر از یک دهه، تمامی آن آرمان‌ها و شعارها فراموش شده و نقش‌ها عوض شد و حتی در دهه هشتاد، هاشمی به شکایت از افراط جناح چپ در اقتصاد آزاد رسید: «استراتژی اصلی توسعه اقتصادی مادر کاهش نقش دولت بر اقتصاد و رفتن به سمت و سوی اقتصاد آزاد خلاصه می‌شد.

چپ‌ها هم دقیقاً این استراتژی را هدف گرفتند و گفتند که شما دارید نقش دولت را ضعیف می‌کنید و تمرکز را از بین می‌برید که البته کم‌کم در عمل خودشان به همین جا رسیدند که حالا به صورت افراطی در این مورد حرف می‌زنند» (زیباکلام، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

هرچند شاید فرصت مستقلی بطلبد و نیازمند مثال‌های متعدد باشد، اما بحث از لزوم وجود احزاب بدون طرح کارکردهای ضروری حزب در جهان مدرن، سخنی ناقص و حتی شاید گمراه‌کننده خواهد بود. منظور از ضرورت وجود چنین نهادی، مهر تأییدی نیست بر فعالیت هر گروهی که نام خود را حزب نهاده و با هر روش ممکن به دنبال کسب قدرت است.

در میان کارکردهای ضروری یک حزب مفید برای جامعه، نخست می‌توان به کارکرد بیان (Expression) اشاره کرد که براساس آن، یک حزب، رابط بین جامعه (یا دست‌کم بخشی از جامعه) با دولت خواهد بود و نیازهای آن بخش از جامعه را نمایندگی کرده و به دولت منتقل خواهد کرد.

دو کارکرد دیگر حزب، «یکپارچگی» (integration) و «تجمیع» (aggregation) هستند؛ از احزاب انتظار می‌رود که در سه حوزه ملی، سیاسی و اجتماعی، اتحاد را افزایش دهند:



سیستم انتخابات تناسبی

دروازه‌ای برای ورود زنان به مجلس شورای اسلامی

آغازی بر پایان وضعیت ۱-۱۰

حدیثه ربیعی
تحلیل‌گر ارشد علوم اجتماعی در مرکز مطالعات پارلمان



۵ دقیقه



فراملی زده و به این باور کلی وجود دست یافته اند که بهره‌مندی از سیستم انتخابات تناسبی، با احتمال بیشتری می‌تواند به ارتقای کاندیداتوری و انتخاب زنان برای حضور در عرصه قانون‌گذاری بینجامد. هر چند بهره‌مندی از این سیستم یکی از موانع جدی برای حضور زنان در عرصه سیاست را از سر راه کنار می‌زند؛ اما به خودی خود چاره‌ساز نبوده و تضمین‌کننده این مشارکت نیست؛ لذا همچنان نیازمند عزم جدی برای برداشتن سایر موانع و تضمین مشارکت سیاسی زنان خواهیم بود.

زنان در مسیر نمایندگی خود و تحقق مشارکت در امر قانون‌گذاری با موانع مهمی روبرو هستند که مهم‌ترین آن‌ها به قرار زیر است:

- ۱- آن‌ها باید حق انتخاب شدن داشته باشند.
- ۲- آن‌ها باید تمایل و فرصت فعالیت سیاسی داشته باشند.
- ۳- آن‌ها باید توسط احزاب به عنوان کاندیدا در نظر گرفته شوند.
- ۴- آن‌ها باید توسط رای‌دهندگان انتخاب شوند.

در خصوص مورد اول، امروزه زنان در اکثر کشورها حق رای دادن و حضور در انتخابات به عنوان کاندیدار دارند. در ایران این حق در سال ۱۳۴۱ به زنان اعطا شد و بارش در فرصت تحصیل و کار برای زنان به ویژه در دهه‌های اخیر، جلوه بارزتری نیز یافت. با این حال هنوز چالش‌های مختلفی در این عرصه قابل شناسایی است که عموماً به انگاره‌ها و باورهای فرهنگی - اجتماعی غلط در جامعه و بعضاً به کاستی‌های تعریف مشخص مشارکت و فعالیت سیاسی برای زنان و یا عدم توجه به قوانین و قواعد وضع شده باز می‌گردد. برای مثال فصل سوم «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی» که در آن حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان به ویژه در امر قانون‌گذاری تصریح شده، در عمل نتوانسته به نتیجه مطلوب برسد و ما اکنون با انواع چالش‌ها مواجه هستیم. چالش‌هایی که به کاهش مشارکت زنان برای کاندیداتوری و حضور در پارلمان ختم می‌شود؛ لذا در انتخابات اخیر مجلس شاهد آن بودیم که از میان ۷ هزار و ۱۰۰ نامزد نهایی، تنها ۱۳۶ نفر زن بودند. یعنی تقریباً به ازای هر ۱۰ مرد، تنها زن!

بعلاوه از این تعداد (۱۳۶ نفر)، ۱۶ کرسی از ۲۹۰ کرسی به زنان تعلق گرفت. این در حالی است که حدود نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و لزوم بازتاب صدا و دغدغه‌های آنان در مجلس بر هیچ کس پوشیده نیست.

مشارکت متوازن زنان و مردان در میدان سیاست از باید‌های هر نظام حکمرانی مبتنی بر مردم‌سالاری و الزامات تحقق عدالت اجتماعی است. یکی از انواع این مشارکت، مشارکت زنان در پارلمان‌ها و در امر قانون‌گذاری است. اما چرا این‌ها را از مشارکت هستیم؟

بر اساس طبق تحقیقات صورت گرفته زنان بیشتر از مردان نسبت به مسائل ناظر بر رفاه اجتماعی بخصوص در حوزه بهداشت، آموزش و فقر دغدغه‌مند هستند. این در حالی است که مردان بیشتر علاقه دارند در خصوص موضوعاتی همچون اقتصاد، امور دفاعی و امور خارجه فعالیت کنند؛ لذا در کنار هم قرار گرفتن این دو نگرش سیاسی بعضاً متفاوت می‌تواند پوشش مناسبی از مسائل را ایجاد نموده و در بهبود سیاست‌ها و قانون‌گذاری کارآمد مفید واقع شود.

همچنین به سبب وجود تجربیات متفاوت زنان نسبت به مردان، حضور زنان در امر قانون‌گذاری، می‌تواند به وضع قوانینی که عینیت بیشتری داشته و به اصطلاح پایشان روی زمین است، کمک کند.

از این جهت، دولت‌ها عموماً به واسطه قوانین اساسی و ارزش‌های دموکراتیک ناظر بر جوامع مدرن و در راستای رفع تبعیض‌های موجود در این عرصه، تلاش می‌کنند تا این مشارکت را به حداکثر برسانند.

زنان در ایران، به طور حدودی ۵۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به تناسب ارزش‌های حاکم بر جامعه خود، به دنبال مشارکت سیاسی و فرصت‌هایی برای تحقق حضور کارآمد در عرصه سیاست‌گذاری نیز هستند. این میل به حضور با افزایش فرصت تحصیل و کار برای زنان در دهه‌های اخیر با رشد بیشتری نیز مواجه شده است.

همان‌طور که واضح و مبرهن است، یکی از مهم‌ترین بسترهای اثرگذار بر شکل‌گیری سیاست‌ها و قوانین در هر کشوری، مجالس قانون‌گذاری است و مسلمانان به دنبال تقویت حضور و مشارکت خود در این بخش هستند. اما این مشارکت و میزان آن، پیوند مستقیمی با سیستم حاکم بر انتخابات در هر نظام سیاسی دارد. این نظام‌ها شامل طیف گسترده‌ای از شیوه‌ها و مدل‌های رای‌گیری انتخاباتی شده که بر ورود گروه‌های اجتماعی مختلف از جمله زنان، اثرگذار است. یکی از شیوه‌های شناخته شده، سیستم انتخابات (نمایندگی) تناسبی (PR) است. در این سیستم گروه‌ها و احزاب مختلف قادر خواهند بود به تناسب رای کسب شده خود، وارد پارلمان شده و به نسبت رای آورده، کرسی‌های پارلمان را از آن خود سازند. در این راستا پژوهشگران مختلف دست به انجام انواع تحقیقات

تحت عنوان کارگروه‌های انتخاب‌کنندگان، ریسک ورود آنان به عالم سیاست را نمی‌پذیرند.

در نهایت به فرض عبور زنان از این موانع متعدد، خان‌آخر نظر رای‌دهندگان و انتخاب‌آن‌هاست. در این بخش نیز باورهای فرهنگی و اجتماعی رای‌دهندگان و توانایی و قدرت نامزدها برای جلب آرای آنان از اهمیت بالایی برخوردار است.

اما سیستم انتخابات تناسبی چگونه می‌تواند این چالش‌های متعدد را پشت سر گذاشته و حضور و فعالیت زنان در پارلمان را به وضعیت مطلوب برساند؟

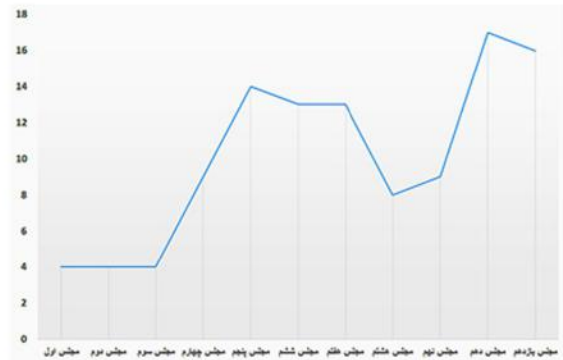
در سیستم‌های انتخابات اکثریتی، در صورتی که جناح و حزبی ۵۰ درصد بعلاوه یک کرسی را از آن خود سازد، اکثریت مجلس را تحت تسلط خود خواهد داشت و سایر گروه‌ها با آرای بعضاً بالا (۴۹ درصد)، سهمی از کرسی‌های مجلس کسب نخواهند کرد. در نتیجه این امر، گروه‌های مختلف مردم به ویژه گروه‌های اقلیت با مسئله فقدان نمایندگی مواجه شده و صدای آنان به خوبی در نظام حکمرانی شنیده نخواهد شد. مواجه این گروه‌ها با فقدان نمایندگی می‌تواند منجر به دل‌سرد شدن آنان از مشارکت سیاسی و اجتماعی شده و عواقب جبران‌ناپذیری با خود به همراه داشته باشد.

اما در سیستم انتخابات تناسبی، جناح‌ها و گروه‌های مختلف تمایل و توفیق بیشتری برای جذب مشارکت مردم و حضور در مجلس دارند. زیرا افزایش مشارکت و افزایش رای جناح‌ها و احزاب سیاسی، معادل با کرسی‌های بیشتر برای آنان در پارلمان خواهد بود. این افزایش کرسی نیز به ایجاد بستری برای ورود آنان و قدرت چانه‌زنی بیشتر گروه‌ها در امر قانون‌گذاری خواهد انجامید.

یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها، زنان هستند که همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، اقبال خوبی در نظام‌های اکثریتی نداشته‌اند. اما نظام تناسبی فرصت حضور آنان برای نامزدی در انتخابات را از طریق سازوکارهای مختلفی فراهم می‌سازد. در این نظام تناسبی احزاب و جریان‌هایی که کاندیداتوری یک زن به عنوان تنها فرصت خود برای پیروزی و راهیابی به مجلس را مطلوب نمی‌دیدند، با احتمال بیشتری زنان را در فهرست‌های چند نفره خود قرار می‌دهند.

در واقع در صورتی که احزاب و جریان‌ها به دنبال افزایش مدافعان خود (چندین نامزد متعلق به گروه‌های اجتماعی مختلف) خواهند بود. تاکرسی‌های بیشتری را به مالکیت خود در آورند. در این شرایط فشار حتی در جهت مخالف خواهد بود و گنجاندن زنان در فهرست کاندیداتوری، جذابیت احزاب و گروه‌ها را بیشتر نیز خواهد کرد.

همان‌طور که نمودار زیر هم نشان می‌دهد، این اعداد و ارقام در طی دوره‌های گذشته نیز عموماً پایین بوده و مشارکت زنان در مجالس اول تا یازدهم هر چند بار شد کمی همراه بوده؛ اما نمره قابل قبولی را کسب نمی‌کند.



تعداد نمایندگان زن در مجالس اول تا یازدهم

در خصوص تمایل و فرصت زنان برای فعالیت سیاسی نیز، مردان بیشتری تمایل به شرکت در انتخابات و فعالیت سیاسی دارند. در واقع عضویت بیشتر مردان در گروه‌ها و احزاب سیاسی و یا حضور در محافل خاص آنان را بیش از زنان به فعالیت سیاسی تشویق نموده و مسیر این فعالیت را برای آنان هموار می‌سازد. در حالی که زنان به میزان کمتری در گروه‌ها و احزاب سیاسی حضور دارند و عملاً به بسیاری از محافل دسترسی ندارند. این عدم دسترسی به همراه فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم و انگاره‌های متعارض نمای نقش مادری و زنانگی با فعالیت سیاسی و اجتماعی، در نهایت آنان را نسبت به هم‌تایان مرد خود از امر سیاست و اثرگذاری در این حوزه دورنگه می‌دارد.

در خصوص مورد سوم، انتخاب زنان به عنوان نامزد مورد نظر حزب برای شرکت در انتخابات است. احزاب در بسیاری از کشورها به عنوان دروازه ورود افراد به عالم سیاست معرفی می‌شوند؛ لذا اینکه چه کسی به عنوان نامزد و کاندیدای حزب در نظر گرفته شده و در انتخابات دایه دار حزبی خاص باشد، توسط کارگروه‌های کاندیداتوری احزاب مشخص می‌شود.

در این کارگروه‌ها، این که کدام یک از افراد با کدام ویژگی‌ها و برای چه مناطقی کاندیدا شوند، اهمیت زیادی دارد و سعی این کارگروه‌ها بر آن است تا افرادی با کمترین ریسک و بیشترین احتمال انتخاب برای کاندیداتوری معرفی شوند؛ بنابراین با عطف توجه به انگاره‌های موجود در جوامع، زنان عموماً با فقدان نمایندگی حتی در سطح دروازه ورود به عالم سیاست مواجه اند و نگرهبانان سرسختی

این عمل به «پدیده سرایت» [۱] نیز خواهد انجامید. براین اساس به محض اینکه یک حزب زنان بیشتری را در فهرست کاندیداتوری خود قرار دهد، احزاب دیگر نیز برای حفظ قدرت و تصویرسازی مطلوب از خود این عمل را تقلید می‌کنند.

البته عوامل دیگری از جمله ایدئولوژی احزاب و تمایل آنان برای حضور زنان در آن‌ها و جایگاه زنان درون احزاب نیز از جمله متغیرهایی است که بر احتمال نامزدی زنان توسط احزاب اثرگذار خواهد بود.

این سیستم با گذر زمان می‌تواند منجر به تقویت نسبت جامعه مدنی با احزاب شده و از این رهگذر قدرت اثرگذاری زنان دغدغه‌مند و فعال در امر قانون‌گذاری را افزایش دهد. طبق آنچه گفته شد، سیستم انتخابات تناسبی گامی بسیار مثبت در جهت مشارکت گروه‌های اجتماعی مختلف، به ویژه زنان در عرصه سیاست‌گذاری است؛ لذا موافقت مجلس یازدهم با طرح تناسبی شدن انتخابات در تهران را باید به فال نیک گرفت. البته همان‌طور که گفته شد، این سیستم دروازه ورود زنان به این عرصه را می‌گشاید و حل چالش‌ها و سایر موانعی که برخی از آن‌ها در این نوشتار مورد بحث قرار گرفت، همچنان نیازمند عزم جدی است.



نظام انتخاباتی تناسبی



فراز و فرود پیشبرد طرح تناسبی در مجلس

در گفتگو با دکتر جعفر قادری، نماینده مردم شیراز و پیش برنده طرح تناسبی انتخابات در مجلس یازدهم

شماره هشتم | خرداد ۱۴۰۲

عاطفه مرادی اسلامی
مدیر مرکز مطالعات پارلمان



۲ دقیقه



این طرح ضمن ایجاد رقابت حزبی مانع از ورود یک جریان خاص به مجلس می شود و کیفیت انتخاب شوندگان را هم ارتقایی دهد. بنابراین همه جریان های سیاسی می توانند ۳ نفر آماده کنند که در انتخابات شرکت کنند و بهانه ای برای گروه های سیاسی باقی نمی ماند.

قطعا جریان های سیاسی ریشه دار می توانند یک لیستی که از فیلتر شورای نگهبان هم عبور کند، آماده کنند. حالت فعلی نظام انتخابات مابه شکل غیر منصفانه است. چرا باید یک فهرست با ۲۰ درصد کل آرا همه کرسی های یک حوزه را به خود اختصاص بدهد؟ ادر این طرح تناسبی قطعاً بزرگان همه احزاب سیاسی می توانند در مجلس حضور پیدا کنند و کیفیت نمایندگی را ارتقا بدهند.

این نماینده مجلس در توضیح علت برخی مخالفت ها با طرح تناسبی این چنین تحلیل کرد: به نظر می رسد مخالفت ها بعضاً از سر عدم اطلاع هست. ما هر قدر که فرصت می شد و برای افراد ابعاد مختلف طرح را توضیح می دادیم، توجیه می شدند و ابهامات رفع می شد. بله، هستند کسانی که همچنان مخالفت هایی دارند ولی برای طراحی این قانون نظرات کارشناسی از مجاری مختلف دریافت شده و طرح اولیه اصلاح و تعدیل شد تا با اطمینان به نتیجه بتوان اقدام کرد.

بالا بردن مشارکت سیاسی مطالبه جدی رهبری هست که باید به آن توجه کرد. همه این منتخبین هم بارای مردم وارد مجلس می شوند و اینگونه نیست که مردم ندانند چه کسی وارد مجلس می شود. در واقع در این شیوه، افراد ورودی به ترتیب بالاترین رای هر لیست خواهد بود اما مردم به هر لیستی که مایل باشند رای می دهند و حتی می توانند از لیست های مختلف چند نفر را انتخاب کنند و محدودیتی در رای دهی ندارند.

وی در پایان عنوان کرد: امید است تا با اجرایی سازی این طرح، شاهد پویایی سیاسی بیشتر و تنوع بیشتری از جریانات در مجلس باشیم.

از زمان طرح موضوع اصلاح نظام انتخاباتی در مجلس دهم، چندین نفر از نمایندگان به طور ویژه مساله اصلاح نظام انتخابات را دنبال می کردند و هر کدام ایده های مختلفی برای اصلاح داشتند. همزمان با بررسی مجدد این طرح در مجلس یازدهم، دکتر جعفر قادری نماینده شیراز با پیگیری ویژه این موضوع و گفتگو با نهادهای مختلف سعی در پیشبرد طرح اصلاحی نظام انتخابات با محوریت تناسبی شدن داشت.

در این گفتگو به بررسی ابعاد کارشناسی طرح اصلاح نظام انتخابات و رایزنی های صورت گرفته پرداخته ایم. دکتر قادری در توضیح پیش زمینه های شکل گیری این طرح گفت: مدل های قبلی پیشنهادی مجلس دهم و یازدهم برای اصلاح قانون انتخابات یعنی مدل استانی اکثریتی و استانی-شهرستانی مورد تایید شورای نگهبان نبود و ایراداتی از حیث کاستن مشارکت و نحوه رای آوری کاندیداها داشت، بنابراین مدل تناسبی برای حوزه های ۴ کرسی به بالا یعنی مشمول ۵۰ نماینده که ساکن حوزه های کلان شهر هستند، در نظر گرفته شد.

در حین طراحی این مدل از نظرات کارشناسی اندیشکده حکمرانی شریف و اندیشکده ایتان و همینطور مرکز پژوهش های مجلس و پژوهشکده شورای نگهبان استفاده شد که در نهایت با اختلاف ۳ رای، این طرح صرفاً در حوزه تهران تصویب شد که البته ۶۳ درصد آرا را کسب کرد.

ایشان در پاسخ به این سوال که آیا طرح تناسبی منطبق با سیاست های کلی انتخابات هست، این چنین توضیح داد: پیش از تصویب این طرح، با دبیر مجمع تشخیص و دبیر کمیسیون های سیاسی و امنیتی گفتگو شد و انطباق این طرح با سیاست های کلی انتخابات مورد تایید این افراد قرار گرفت. همچنین با دبیر شورای عالی امنیت ملی سردار شمخانی و دو تن از حقوقدانان شورای نگهبان شخصاً صحبت کردم و نظر آنها نسبت به طرح موافق بود و خود این حقوقدانان بقیه اعضا را نیز از مختصات طرح آگاه کردند.

همچنین در جلساتی که با معاونت سیاسی وزارت کشور داشتیم توضیح دادیم که اجرای انتخابات در این طرح راحت تر هم می شود و مساله ای را از حیث فرایند رای دهی ها ایجاد نمی کند. دکتر قادری در بیان فرصت سازی این طرح برای حضور جریان های سیاسی مختلف گفت: در کنار رایزنی های رسمی، با حضور در نشست های سیاسی مختلف و گفتگو با جریان ها، مختصات طرح را برای آنها تبیین کردیم. در حوزه های کوچک مشکل مشارکت نداریم، مساله در مورد کلان شهرهاست.



انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه وبازگشت ملی‌گرایی

در مصاحبه با دکتر ولی گلمحمدی (استاد مهمان دانشگاه بیلکنت آنکارا)

علی صالحیان
تحلیل‌گر ارشد دیپلماسی در مرکز مطالعات پارلمان



۳ دقیقه



برنده و جریانی که در حال اوج گیری در ترکیه است، راست ملی گرا و تفکرات ناسیونالیستی است که تاثیر آن در داخل و خارج ترکیه مهم است و باید بدان پرداخت.»
این استاد روابط بین الملل درباره فضای ذهنی ترک ها بیان کرد: «بیش از هشتاد درصد رسانه های ترکی، دولتی هستند و بیش از هشتاد درصد شهروندان ترکیه به زبانی غیر از زبان ترکی صحبت نمی کنند. لذا روایت هایی که دولت می سازد، همه گیر و مقبول است. باور اکثریت مردم ترکیه آن است که مسائل همه ی مشکلات فعلی این کشور، اردوغان نیست و عوامل خارجی مثل بحران همه گیری بیماری کوید یا بحران اوکراین تاثیر بسزایی در این مشکلات به ویژه حوزه اقتصادی داشته است.»

درباره آینده و فضایی که پیش روی اردوغان وجود دارد؛ دکتر گلمحمدی معتقد بود که اردوغان مجبور خواهد شد تا عرصه های سیاسی بیشتری را به ملی گرایان واگذار کند: «این انتخابات رami توان به نوعی کارت زرد مردم ترکیه به اردوغان دانست که به واسطه آن موجب خواهد شد تا اردوغان در دولت احتمالی بعدی خود به سمت تلطیف روابط با غرب و محوریت قرار دادن بهبود وضعیت اقتصادی به عنوان هدف اصلی دولت، برود.»

این استاد مهمان دانشگاه بیلکنت آنکارا معتقد بود که «با توجه به تجربیات تلخ مردم ترکیه از ائتلافی بودن حاکمیت، ترجیح آنان یکدستی و هماهنگی است، لذا فردی مقتدر و کاریزماتیک مثل اردوغان مقبولیت زیادی در ذهن سیاسی مردم ترکیه دارد؛ به طوری که وی را رهبر جهان می خوانند. آن هم اردوغانی که در طول بیش از بیست سالی که مسئول بوده است پیشرفت های ملموسی برای مردم ترکیه به ارمغان آورده است.»

اصلی ترین علل نرخ مشارکت بالا در طول سال های متفاوت در انتخابات ترکیه، وجود تحزبی ریشه دار و حتی مقدس است و افراد و گروه ها دارای پایگاه دائمی هستند. اپوزسیون نیز تنها راهی که برای سرنگونی حزب حاکم در پیش روی خود می بیند، صندوق رای است. با توجه به اینکه حتی افرادی که در زندان هستند، گاهی به عنوان نامزد در انتخابات حاضر شده اند، هر چند این رقابت به واسطه امتیازاتی که دولت برای حزب خودش در نظر می گیرد، غیر منصفانه است. این دموکراسی غیر لیبرال آزاد است اما منصفانه نیست. اما پایبندی اردوغان به صندوق رای مشخص است همان طور که گفته بود من برای آدم و اگر مردم بخواهند با رای می روم.

به دنبال انتخابات ۱۴ می ۲۰۲۳ در کشور ترکیه، مرکز پارلمان اندیشکده حکمرانی شریف مصاحبه ای با دکتر ولی گلمحمدی هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، دکتری روابط بین الملل و صورت داد. این مصاحبه در تاریخ ۳۰ اردیبهشت در پی فهم اثرات متفاوت این انتخابات در سطح ملی، منطقه ای و جهانی به نکاتی که می تواند در فضای سیاسی ایران مورد استفاده باشد، پرداخته است. گزارش آن در ادامه با عنوان «متن و فرامتن انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه» تقدیم می گردد. لازم به ذکر است این مصاحبه قبل از دور دوم انتخابات و برنده شدن اردوغان تهیه شده است.

«ترکیه کشوری مهمی است که اتفاقات و جریان های آن بر مناطق پیرامونی آن تاثیر دارد لذا اتفاق مهمی مثل انتخابات ۲۰۲۳ بایستی به دقت مورد بررسی قرار گیرد. وضعیت ترکیه قبل از انتخابات با بحران های متفاوت مواجه بوده است، مواردی مانند بحران پناهندگان، زلزله اسفناک در جنوب غربی ترکیه و مناطق کرد نشین، بحران های اقتصادی، افزایش تورم و بدهکاری خارجی و تخریب ارزش لیر.

این وضعیت نامطلوب فضا را برای کنار زدن حزب حاکم و رهبر فعلی یعنی اردوغان فراهم می ساخت. اما علی رغم پیشبینی های رسانه ای، این حزب عدالت و توسعه بود که دست برتر را در انتخابات دوره اول و حوزه پارلمانی کسب کرد. اما چرا؟

بایستی به این نکته توجه کرد که اساساً ترکیه با دو قطب هویت ترکی، و هویت مذهبی اسلامی مواجه هستیم که پر رنگ و قدرتمند است. نوع بازیگری اردوغان در انتخابات ۲۰۲۳ نشان داد که دماسنج و نبض کشور ترکیه در دست او است. وی که از ۴۰ درصد رای دینداران مطمئن بود، بر روی ۱۰ درصد رای ملی گرایان برای کسب اکثریت نسبی قمار کرد.»

آقای دکتر گلمحمدی در ادامه افزود: «بنظرم بازیگر اصلی این انتخابات ملی گرایان بودند و یکی از اصلی ترین پیام های این انتخابات، بازگشت راست ملی گرا به سپهر سیاسی ترکیه بوده است. درباره وضعیت ملی گرایان ترکیه ذکر این نکته ضروری است که اردوغان با مشاهده ظهور پیشران هایی که عوامل ملی گرا از آن استفاده می کنند و مردم جذب آنان می شوند؛ به ویژه از سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به دنبال پروژه ملی گرایی بوده است. توانایی سیاسی وی به شکلی بوده است که توانسته است ملی گرایان ترکی را شبیه خود کند. این نکته آنجا ظهور می یابد که بیش از ۶۰ درصد مردم ترکیه دشمن اصلی خود را امریکامی دانند.

در نهایت دکتر گل محمدی متذکر شد که: «انتخاب مردم ترکیه بین، انتخاب بین ثبات و تغییر بود، که با توجه به ضعف اپوزوسیون و اعتمادی که اردوغان در حدود بیست سال مسئولیتش کسب کرده بود، مردم تداوم را انتخاب کردند. بیان این نکته ضروری است که متحد استراتژیک ترکیه نه غرب است، نه ناتو، نه روسیه و نه سایر بازیگران خارجی هستند؛ بلکه متحد استراتژیک ترکیه، مردم آن هستند. رهبران وقتی سرمایه اجتماعی دارند و پشت شان به مردم شان گرم است، می توانند مسیر با ثبات تری را برای کشور خود در نظر بگیرند. شاید یکی از اصلی ترین درس های انتخابات سال ۲۰۲۳ ترکیه این باشد.»



ماهنامه تخصصی مطالعات پارلمان

کارآمدی مجلس، کارآمدی حکمرانی
سال اول | شماره هشتم | خرداد ۱۴۰۲



مرکز مطالعات پارلمان